مقدمه‌ای در توضیح تصاویر کارتونی- ۳

«کمیک‌استریپ» یا «نوار خنده»

یحیی تدین

در این شماره یکی دیگر از انواع مجموعه کارتون‌ها یعنی «کمیک‌استریپ» معرفی می‌شود. متاسفانه این واقعیت بر کسی پوشیده نیست که پس از گذشت حدود یک قرن از خلق هنر «کمیک‌استریپ» در جهان، هنوز واژه مناسبی که معرف این گروه از کارتون‌ها باشد در زبان فارسی معرفی نشده، بر این اساس تا قبل از آنکه «فرهنگستان زبان فارسی» لغت مناسبی را اعلام کند، شاید بی‌مناسبت نباشد از لغات «خنده‌نگاری» یا «نوار خنده» برای تعریف «کمیک‌استریپ» استفاده شود. این توضیح نیز ضروری می‌آید که این سلسله گفتارها برای آشنایی علاقه‌مندان با هنری است که در رسانه‌ها به طور معمول از آن استفاده می‌شود لیکن برای شناخت بهتر آن تلاش لازم به کار نیامده است و لذا ارائه این مطالب می‌تواند بهانه‌ای شود تا علاقه‌مندان و افراد اهل فن نیز وارد گفت‌وگو شده و موضوع را از زاویه‌ای دیگر دنبال کنند.

در هر حال کارتون‌های «کمیک‌استریپ» معمولاً یک ایده یا ماجرا را از طریق چند فریم که به آن اصطلاحاً «پانل» هم می‌گویند، به صورت دنباله‌دار و منطقی بازگو می‌کنند. منظور از گویش منطقی یعنی اینکه تصاویر هر یک از «پانل‌ها» به هم مربوط بوده و از طریق متنی که در داخل حباب‌های بالای تصویر قرار می‌گیرد به تشریح داستان پرداخته یا تصاویر به گونه‌ای هستند که خود به خود جوابگو بوده و نیاز به متن ندارند. بر اساس یک سنت تاریخی از ابتدای قرن بیستم این نوع کارتون‌ها به صورت سیاه و سفید در روزنامه‌های جهان به چاپ می‌رسیده که معمولاً هر یک از آنها گوشه‌ای از صفحات سرگرمی‌ها را به خود اختصاص می‌دادند، از طرفی در روزهای تعطیل یا یکشنبه‌ها که بیشتر نشریات به خاطر ایجاد سرگرمی و رفع خستگی مخاطبان به چاپ می‌رسید، اکثر «کمیک‌استریپ»ها به صورت ستونی، «پانل»های خود را در روزنامه‌ها ارائه می‌دادند، از طرف دیگر پس از مشاهده استقبال خوانندگان از «کمیک‌استریپ»، نشریات مستقلی نیز در این زمینه به بازار آمد، به طوری که در امریکا برای روزهای تعطیل نزدیک به ۲۰۰ نشریه با تم «کمیک‌استریپ» روانه کیوسک‌های روزنامه‌فروشی شد که چاپ بعضی از آنها هنوز پس از گذشت سالیان دراز ادامه دارد. گفته می‌شود اولین روزنامه «کمیک‌استریپ» در اواخر قرن ۱۹ با نام «یلو کید» در امریکا به چاپ رسید. این نشریه تصاویری کارتونی را با نوشتاری مرتبط که داستان‌های شاد را به صورت سریالی بازگو می‌کرد روانه بازار کرد که مورد استقبال بسیاری از خوانندگان علاقه‌مند به تصاویر کمیک قرار گرفت.

در مجموع ماجراهای «کمیک‌استریپ» مربوط می‌شود به بیان یک روایت که از طریق چندین رخداد پیاپی (که با خود خنده و حیرت به همراه دارد) شکل می‌گیرد. به عبارتی در «کمیک‌استریپ»ها بیننده با مجموعه‌ای از تصاویر آشنا می‌شود که حداقل دارای دو فریم یا تصویر جداگانه است که در کل یک هدف مشخص را دنبال می‌کنند، که همان ایجاد طنز است. البته تصاویر یادشده باید بازگوکننده جذابیتی نیز باشد و حقیقتاً در خود ارزش دنبال کردن ماجرا از سوی مخاطبان را نیز به همراه داشته باشد، در غیر این صورت ما با نوعی تصویرسازی داستان روبه‌رو خواهیم بود که خالی از پارامترهای لازم برای مقوله «کمیک‌استریپ» است. با این حال آیا کمیک‌استریپ‌های تک‌فریمی هم وجود دارد؟ به طور طبیعی خیر، لیکن در بعضی از مواقع با توجه به سلیقه هنرمند، ممکن است چنین اتفاقی بیفتد، یعنی مجموعه‌ای از رویاپردازی متوالی که همه در افکار یک شخص ساکن، از طریق حباب‌های بالای سرش شکل می‌گیرد، که بهتر است به علت تعداد معدود چنین آثاری آن را خارج از تعریف کارتون‌های «کمیک‌استریپ» قرار دهیم. «کمیک‌استریپ»های مطبوعات به طور معمول در قالب یک صفحه به پایان می‌رسد. این قبیل کمیک‌استریپ‌ها را می‌توانیم در نشریات مختلف مشاهده کنیم که جزء ساده‌ترین نوع آن به حساب می‌آیند، دسته دیگر شامل خلق داستان‌های حادثه‌ای یا خانوادگی هستند که ادامه آنها ممکن است برای سال‌های متمادی ادامه داشته باشد. در واقع این دسته از «کمیک‌استریپ»ها تشکیل‌دهنده ماجراهایی هستند که متعاقباً به صورت کتاب‌های پرطرفدار وارد بازار نشر می‌شوند. از ژانرهای پرطرفدار این دسته «کمیک‌استریپ»ها که از حدود سال ۱۹۳۰ در نشریات امریکا و اروپا متداول شد، ساخت سریال‌های علمی- تخیلی است؛ ماجراهایی از نوع «جنگ ستارگان»، «بتمن» یا «مرد عنکبوتی» یا با موضوعاتی جذاب از نوع «تارزان» و «تن تن» که با توجه به سوژه‌های سرگرم‌کننده و بی‌نظیر خود، همزمان مورد توجه گروه‌های سنی متفاوتی قرار گرفتند. «کمیک‌استریپ»ها با شرح ماجراهای جذاب، خالق قهرمانان افسانه‌ای نیز هستند؛ شخصیت‌هایی که وجود خارجی ندارند و تنها از طریق تخیلات و ذهن خلاق نویسندگان و تصویرگران ماهر پا به عرصه جهان گذاشته‌اند. به طور مثال تاثیر شخصیت‌هایی چون «سوپرمن» یا «بتمن» در فرهنگ عامیانه تا آنجاست که برای یک کودک امریکایی بسیار دشوار است بپذیرد هیچ یک از آنان در دنیای حقیقی واقعیت ندارند و اینکه جز تصوراتی باطل چیز دیگری نیستند. با توجه به موفقیت کمیک‌استریپ‌ها در جلب مخاطب، گروهی نیز به عنوان نویسنده در کنار هنرمندان کارتونیست قرار می‌گیرند که ارزش و اعتبار آنها کمتر از کارتونیست‌های همان مجموعه نیست. در دنیای مطبوعات نویسندگان بسیاری هستند که کار آنها فقط خلق داستان‌های «کمیک‌استریپ» برای کارتونیست‌هاست. این نویسندگان خود چیزی از طراحی نمی‌دانند با این حال همیشه شانه به شانه کارتونیست‌ها در حال خلق ماجراهای جدیدتری برای قهرمانان ماجرا هستند.

ذکر این نکته خالی از فایده نیست که آثار بسیاری از طراحان کمیک‌استریپ را می‌شود از نوع سبک کار آنها شناسایی کرد مثلاً آقای «بیل واترسون» خالق استریپ‌های «کالوین» سبک خاصی را در انتخاب کاراکترهایش به‌کار می‌برد که پس از آشنایی با آنها می‌توانیم آثار او را به راحتی از بقیه طراحان «کمیک‌استریپ» مجزا کنیم. لازم به ذکر است در کارتون‌های «کمیک‌استریپ» این متن داستان نیست که باعث می‌شود به تصاویر نگاه کنیم (موضوعی که در تصویرسازی یا «ایلاستریشن» اتفاق می‌افتد)، بلکه این تصاویر و چهره‌های کارتونی هستند که یکی پس از دیگری می‌آیند و داستان را شکل می‌دهند. یعنی شما با «خواندن» ماجرا را پی نمی‌گیرید، بلکه با «نگاه کردن» آن را دنبال می‌کنید.

بر همین اساس بسیاری از صاحب‌نظران صنعت سینما را فرزند بلامنازع «کمیک‌استریپ»ها می‌دانند. قابل ذکر است بسیاری از روزنامه‌های «کمیک‌استریپ» در امریکا دارای سندیکا هستند. سندیکا موظف است با به‌کارگیری نویسندگان و کارتونیست‌های باتجربه به خلق داستان‌های کمیک بپردازد و آنها با توجه به کیفیت و جذابیت قصه‌ها و نیز طول داستان طبق تعرفه یا قیمت مشخص این آثار را در اختیار روزنامه‌های درخواست‌کننده قرار می‌دهند.

بعضی از داستان‌های کمیک نیز فقط برای روزنامه خاصی خلق می‌شوند مثل داستان کمیک «پوگو» که توسط «والت کلی» به سفارش نشریه «نیویورک استار» در سال ۱۹۴۸ خلق و منتشر شد. در پایان بیان این نکته نیز خالی از لطف نیست که در تقابل با ماجراهای پرحادثه و خشن «کمیک‌استریپ»ها، هنرمندانی نیز وجود دارند که داستان را به زمینه‌های لطیف و شاداب زندگی هدایت می‌کنند؛ افرادی مثل «سمپه» و «کینو» که از بار خشونت داستان‌های پرزد و خورد کاسته و دنیای شاد و آرامی برای مخاطبان خود فراهم می‌آورند.

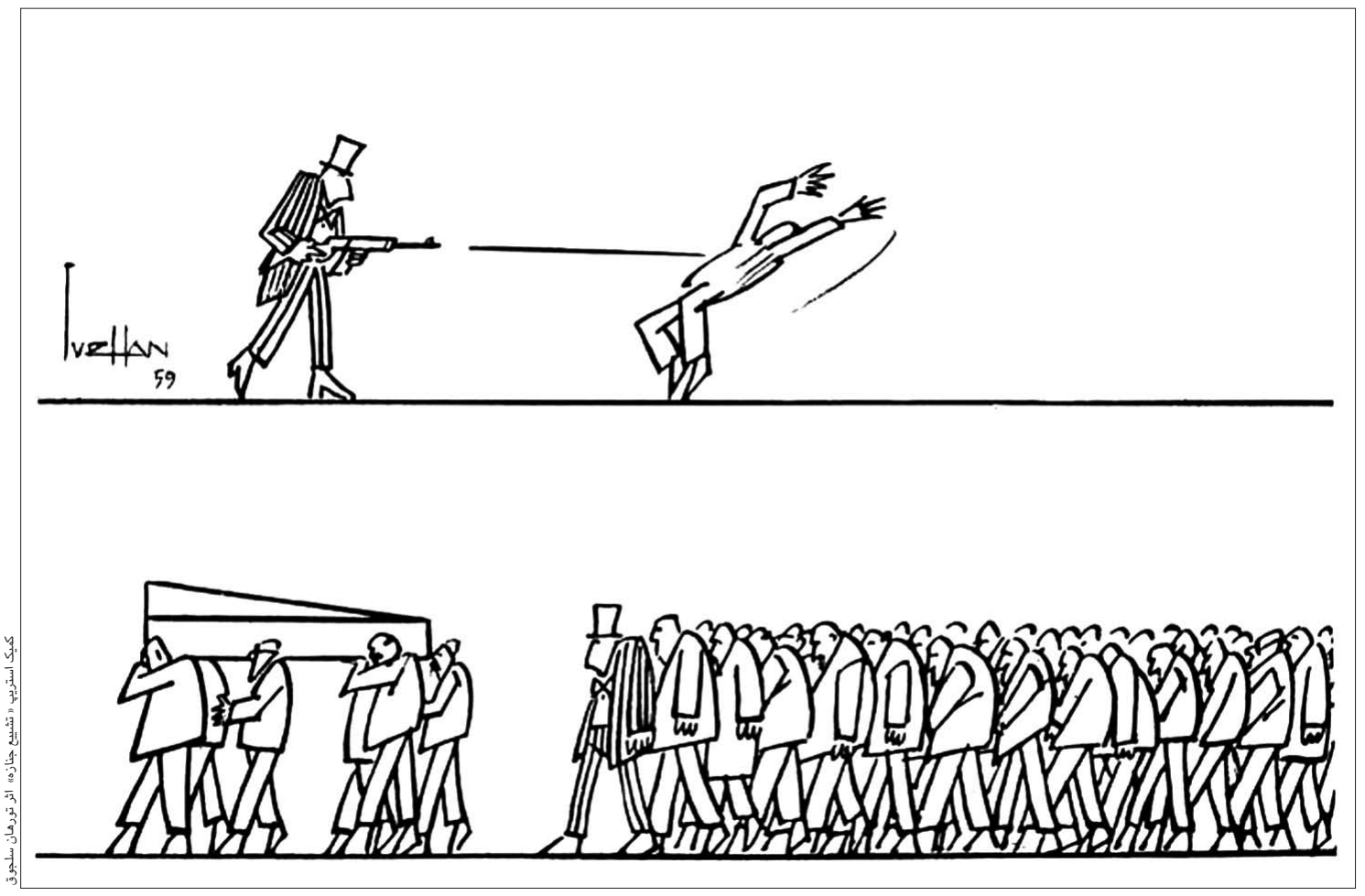

کمیک استریپ «تشییع جنازه» اثر قهرمان سلجوق

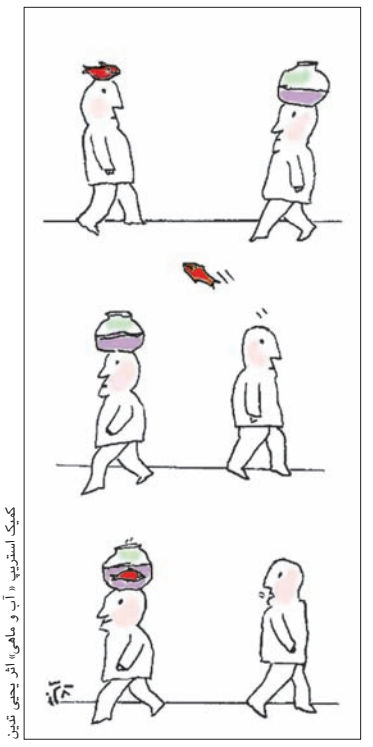

کمیک استریپ «آب و ماهی» اثر یحیی تدین

منابع:

1-http://comics.com/daddys_home
2-http://en.wikipedia.org/wiki/comic_strip

گپ لند

کیوان زرگری

امیرعباس تبریزی هنرمند گرافیست و کاریکاتوریست جوان

می‌کشم تا ماندگار شوم

امیرعباس تبریزی متولد ۱۳۶۳ تهران است. وی دیپلم رشته گرافیک را از هنرستان هنرهای تجسمی و فوق‌دیپلم همین رشته را از دانشگاه آزاد اسلامی اخذ کرده است. از سال ۱۳۷۸ فعالیت مطبوعاتی خود را در مطبوعات آغاز و از سال ۱۳۸۱به طور متناوب در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی در زمینه کاریکاتور شرکت کرده که مهم‌ترین آنها عبارت است از: شرکت در جشنواره کاریکاتور تایجون ۱۳۸۱، جشنواره کاریکاتور هند ۱۳۸۵، جشنواره کاریکاتور یونان ۱۳۸۵، جشنواره هنرهای تجسمی هنر جوان ۱۳۸۵، جشنواره مطبوعات در حوزه شهری ۱۳۸۵و... امیرعباس در تعدادی از جشنواره‌ها و مسابقات داخلی هم موفق به کسب رتبه و مقام شده که تعدادی از آنها به این شرح است: برگزیده اثر در نمایشگاه به یاد مرتضی ممیز در نگارخانه تهران ۱۳۸۴، برگزیده لوح تقدیر اولین مسابقه اینترنتی کاریکاتور کودکان خیابانی ۱۳۸۶، نفر اول (بخش کاریکاتور) جشنواره رسانه و ترافیک سازمان حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران ۱۳۸۹- ۱۳۸۷ و نفر اول (بخش کاریکاتور) جشنواره ترافیک، مطبوعات و خبرگزاری‌ها ۱۳۸۸. وی همچنین داوری چند مسابقه حضوری کاریکاتور و تدریس کاریکاتور برای گروه سنی کودک و نوجوان را در کارنامه هنری‌اش ثبت کرده است.

-تحصیل در هنرستان هنر شما را به کاریکاتور علاقه‌مند کرد یا قبل از آن هم به دنبال کاریکاتور بودی؟

از دوران کودکی‌ام به نقاشی، مداد و مدادرنگی علاقه‌مند بودم و همیشه این وسایل همراهم بود. خاطرم هست در دوره راهنمایی معلم کلاس حرفه و فن بسیار به من توصیه کرد که بروم دنبال طراحی. البته شاید یکی از دلایلش این بود که یک بار که قرار بود برای کلاس کار عملی انجام بدهم مثلاً کلید و پریز درست کنم من طراحی کلید و پریز را برای معلمم آوردم. بعدها که وارد هنرستان شدم رشته تخصصی گرافیک را انتخاب کردم و به همین جهت به طور مرتب نشریات را از لحاظ طراحی و گرافیک و آثار طراحان و کاریکاتوریست‌ها دنبال کردم و در همین دوران تصمیم گرفتم خودم هم قلمی بزنم و این کار را امتحان کنم.

-کار حرفه‌ای با مطبوعات را از چه زمانی شروع کردی؟

بعد از مدتی احساس کردم باید آثارم را به اساتید و کسانی که عملاً درگیر کار هنری بودند، نشان دهم بنابراین تصمیم گرفتم به سراغ دبیران سرویس‌های هنری در روزنامه‌ها بروم. این کار مشکلی بود ولی در نهایت برای من بسیار مفید بود چراکه پاسخ بسیاری از سوالاتم را گرفتم و نظر این عزیزان را در ارتباط با کارهایم می‌فهمیدم. در همین ملاقات‌ها بود که توانستم ایرادات و اشکالات بسیاری از کارهایم را مثل ضعف طراحی، تکنیک، سوژه و... پیدا کنم.

-فکر می‌کنی راه مناسبی برای شروع همکاری با مطبوعات انتخاب کردی؟

اعتراف می‌کنم که روش سختی را انتخاب کردم ولی چون روحیه نقدپذیری داشتم این انتقادات برایم سازنده بود. این روحیه نه در کار حرفه‌ای بلکه در طول زندگی‌ام تا به امروز بسیار به دردم خورده چرا که اعتقاد دارم انسان نباید هیچ وقت امیدش را از دست بدهد. خیلی از مسائل را من بعدها فهمیدم. زمانی که متوجه شدم اغلب هنرمندان و دبیران سرویس‌های هنری که من به دیدارشان رفتم مثل آقایان نیستانی، کریم‌زاده و خود جنابعالی، سوابق طولانی در کار هنری و مطبوعات داشته‌اید و سال‌ها کار کرده‌اید تا در این موقعیت هستید. ولی شاید اگر این روحیه را نداشتم و طور دیگری کار را آغاز می‌کردم سال‌ها زمان می‌برد تا تجربیاتی را که امروز دارم کسب کنم. به هرحال این برای من یک شروع بود و بالاخره موفق شدم و کم‌کم تعدادی از آثارم در مطبوعات به چاپ رسید.

-ولی تعدادی هم عقیده دارند که مطبوعات ما باندی عمل می‌کنند و راه ورود برای حضور و فعالیت نیروهای جوان بسیار سخت است.

من حرف‌هایی مثل باند و باندبازی و مسائلی از این دست را اصلاً قبول ندارم چرا که در چند سال گذشته وارد تحریریه بسیاری از مطبوعات شدم و اتفاقاً در آنجاهایی که شایعات باندی و گروهی مطرح بود نه تنها مرا پذیرفتند و راهنمایی‌ام کردند بلکه پس از مدتی آثارم را هم در آنجا چاپ کردند. تصور من این است که این حرف‌ها بیشتر برای آدم‌هایی است که در زندگی هدفی ندارند، سرخورده شده‌اند و کاری هم جز تخریب دیگران بلد نیستند.

- بهترین اثری که کشیدی و دوستش داری چیست؟

فکر می‌کنم هر چه زمان می‌گذرد کارهایم بهتر می‌شوند. انتخاب از بین کارهایی که کشیدم برایم مشکل است، ولی خاطره‌ای دارم از یکی از کارهایم که در روزنامه صبح امروز چاپ شد. کاری داشتم با موضوع قلم که برای چاپ به مسوول سرویس روزنامه آقای کریم‌زاده پیشنهاد دادم. خاطرم هست که ایشان چندین بار مرا راهنمایی کردند که آن سوژه را دوباره اجرا کنم و هر بار که من کار را از نو اجرا می‌کردم دوباره اشکالاتی در کارم بود که مجدداً از من می‌خواستند کار را اصلاح کنم و این اتفاق چندین بار تکرار شد تا جایی که در آخرین مراجعه خود آقای کریم‌زاده سوژه مرا اتود زد و به من گفت ببین این طوری بکش! بالاخره با انجام آن اصلاحات آن کار چاپ شد و من فکر می‌کنم هیچ وقت این خاطره را فراموش نکنم.

- در زمینه تدریس کاریکاتور چه فعالیت‌هایی داشته‌ای؟

در سطح کودک و نوجوان تدریس می‌کنم. دلیل انتخاب این گروه سنی هم این بود که به بچه‌ها علاقه فراوانی دارم. به خاطر خطوطی که می‌کشند و به خاطر صداقتی که دارند همیشه برایم جالب بوده. مثلاً کودکی ماشینی می‌کشد ولی اصلاً از طراحی چیزی نمی‌داند. ولی آنقدر زیبا این کار را ارائه می‌کند که بر دل می‌نشیند. اینها بچه‌های ۹ یا ۱۰ ساله هستند که می‌آیند و با علاقه می‌نشینند و گوش می‌دهند و بسیار هم به این هنر علاقه‌مندند.

- دوست داری در هنر کاریکاتور تا به کجا برسی؟

واقعاً نمی‌دانم. ولی دلم می‌خواهد اگر روزی در این دنیا نبودم همانند هنرمندانی مثل شاوال، بوسک و سمپه ماندگار باشم و آثارم منحصر به این سال‌ها نباشد و همیشه ماندگار بماند.

- و صحبت پایانی؟

می‌خواهم از این فرصت استفاده کنم و از یکی از استادان بزرگ کاریکاتور ایران آقای کامبیز درمبخش تشکر کنم. ایشان با آن سطح تحصیلات و کارایی و توانایی که قابل قیاس با کاریکاتوریست‌های دیگر معاصر نیست همیشه مرا پذیرا بودند و من همواره از نظرات‌شان در کارهایم استفاده کرده‌ام و به من برای رشد و پیشرفت در کارهایم کمک شایانی کرده‌اند. به واقع هر زمان که ایشان را می‌بینم انرژی می‌گیرم و از معدود کسانی هستند که وقتی به نمایشگاه‌شان می‌روم خودم از خودم خجالت می‌کشم.

نت لند

راضیه بهرامی

گروه‌های مردمی و موسسات بزرگ اقتصادی فرهنگ می‌سازد

سرمایه‌گذاری در طنز و کاریکاتور

فرهنگ و هنر در بین جوامع مختلف جایگاه ارزنده و البته کهنی دارد. این دغدغه که از دیرباز در جوهره اصلی اقوام و ملیت‌های مختلف رشد و نمو کرده باعث دگرگونی‌ها و پیشرفت‌ها و ارتقای جوامع مختلف بوده. نسل امروز وارث تلاش‌های گسترده برای تحقق این آرزوهاست و وظیفه امروز ما نیز ارتقا بخشیدن و پیشبرد آن و سپردن آن به نسل آینده است.

کشور ما با سابقه طولانی و کهن در این زمینه یکی از پرافتخارترین‌هاست. پیروزی‌ها و شکست‌ها و خلاصه تمامی تحولات سیاسی در طول سالیان دراز باعث رکود یا پیشرفت‌های بسیاری در زمینه فرهنگ و هنر در جامعه ما بوده. و این یادگاری‌های بسیار که از روزگاران کهن به دست‌مان رسیده همواره یادآور ذهن خلاق هنرمندان و صنعتگران ایران‌زمین بوده است. نکته مهمی که در تحلیل جایگاه هنر در یک جامعه پویا کمتر مورد توجه قرار گرفته ولی در واقع نکته‌ای بسیار مهم است که هیچ‌گاه نباید از نظر به دور باشد، حمایت‌های گروه‌های مردمی یا حکومتی از پدیدآورندگان آثار هنری بوده و شاید به جرات بتوان گفت اگر این حامیان نبودند بسیاری از آثار فاخر گنجینه‌های بزرگ فرهنگ و هنر این مرز و بوم که سرشار از ذوق و خلاقیت‌اند، مجال خلق شدن نمی‌یافتند.

در دنیای مدرن امروز جایگاه هنر طنز و کاریکاتور به مراتب بسیار مستحکم‌تر و گسترده‌تر از گذشته است و نقش آن در تمامی زمینه‌های فرهنگی، ورزشی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به روشنی به چشم می‌خورد. در این بین گروه‌های مردمی یا موسسات بزرگ اقتصادی نقشی ارزنده در تولید گسترده و تکثیر وسیع آن در بین اقشار مختلف مردم بر عهده دارند.

هنرمندان کاریکاتوریست نیز در این بین تلاش‌های گسترده‌ای برای توجه به نیازها و خواسته‌های این گروه‌ها داشته‌اند که این مهم ارتباطی تنگاتنگ و دوسویه را ایجاد کرده است. در ایران نیز تاکنون شاهد نمونه‌های موفقی از حضور و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و موسسات بزرگ در پروژه‌ها یا جشنواره‌های با موضوعات مختلف در قالب طنز و کاریکاتور بوده‌ایم و البته متاسفانه در سال‌های اخیر به دلیل شرایط نامناسب بازار سرمایه و موسسات اقتصادی شاید حمایت از پروژه‌هایی از این دست در نگاه اول امری غیرضروری و غیراقتصادی به حساب آید ولی با کمی دقت و حوصله و قدرت نفوذ و جذابیتی که این هنر در بین اقشار مختلف دارد، امکان بهره‌وری از پتانسیل بالای آن همواره وجود دارد. کمااینکه موسسات زیادی با استفاده از همین قابلیت‌ها به ارتقای کمی و کیفی خود پرداخته‌اند و پیام‌ها و نکاتی را با استفاده از ظرافت‌ها و جذابیت‌های این هنر ارائه کرده‌اند که در ذهن مخاطب ماندگار شده است. البته هنرمندان ایرانی نیز باید روش‌های نوینی برای همکاری‌های اینچنینی طراحی کنند تا توجیه سرمایه‌گذاری را برای آثارشان فراهم کنند. شاید یکی از راه‌های مناسب برای تحقق این امر آن باشد که هنرمندان خودشان را جزیی از فرآیند خط‌مشی کیفی موسسات محسوب کرده و برای ارتقای آن سازمان پیشنهادات خلاقانه خود را ارائه کنند.

سرمایه‌گذاری در این زمینه اگرچه کاری بلندمدت است و فرآیندی پیچیده دارد ولی کاری ماندگار و جاودانه است که امیدوارم از این پس بیشتر از گذشته شاهدش باشیم.

نکته

پیروزی‌ها و شکست‌ها و خلاصه تمامی تحولات سیاسی در طول سالیان دراز باعث رکود یا پیشرفت‌های بسیاری در زمینه فرهنگ و هنر در جامعه ما بوده. نکته مهمی که در تحلیل جایگاه هنر در یک جامعه پویا کمتر مورد توجه قرار گرفته ولی در واقع نکته‌ای بسیار مهم است که هیچ‌گاه نباید از نظر به دور باشد، حمایت‌های گروه‌های مردمی یا حکومتی از پدیدآورندگان آثار هنری بوده و شاید به جرات بتوان گفت اگر این حامیان نبودند بسیاری از آثار فاخر گنجینه‌های بزرگ فرهنگ و هنر این مرز و بوم که سرشار از ذوق و خلاقیت‌اند، مجال خلق شدن نمی‌یافتند.

طرح از کیوان زرگری